# زن شرور دو بار زندگی می‌کند

مترجم :
Umaru_chan

ویراستار :
Lilac

کلینر :
Castlan_A

تایپیست :
Suyori

کاری از تیم :
Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

# The Villainess Lives Twice


ویرگ آمیزی: PARK JUNGOO, KIM DALHAE | طراحی: PEACHBERRY
نویسنده: HAN MINT

اووه.
ترق ترق

مواظب باش.
اگه بیفتی بخاطر خوردن به بچه‌ها در جا می‌میری.

چطور...

اولین پرنس پادشاهیت لیچیل کادریل.
اون شاه دریاهای دریایی دریای غرب بود

امپراتوری لیچیل به وزیردی کاوینگ که توی دریای غربی قرار دارد.
بعدیش کمه. اما قلمروش بزرگه و وسیع‌ترند.

فقط چون منبع غذاییت وبود تداشت و تا اون خاک شور امکان کشاورزی نبود.

*Lants
وضعیتشون مثل امپراتوری اتلس بود اما مثلی اونا مهم تحقاتون رو ارتقا ندادن.


بنابراین ماهیگیری تنها صنعتی بود که توان پیشرفت کرد.

زمانی که امپراتوری کرائو
رشد می‌کرد و می‌رفت،
پادشاهی ایجاد نداشت
از قدم می‌افتید.

تا وارد سنت کشف‌سازی
بشه و به به کارگیار حفاظت
کشتی تبدیل بشه.
این کاتریان میارتجارتی
دزدی دریاکوردی رو توسعه داد.

اما میوکاندی نوکرهای لوکان
که توسط تاتاری عقبشی ما
نجات می‌شدن، پدرا غد.
@jagan

و کاتریان مقوله شد که
نمی‌تونه با کمار قدرتمندتر
امپراتوری کرائو رقابت کنه.
پس رفت سراغ
دزدی دریایی.

این نزدیک دریایی دریاب بود به
یا ضلع توخیک، کرد و آدا یا برابر
تلاشش بر هم جمع کرد.
هدف اصلیش غارت
کشتی‌های تجاری امپراتوری
کرائو بود.
این آدیا کرد که به بخاری
پرنس ایجاد، حفاظ دریایی
بتوب می‌شد.

توپ دریایی مقشی؟ !!
یک دفه یا پیشقدر در احتیاج‌ترین
دلت توخیل قرار می‌گیره.
ریملاوکه دزدی دریایی
آدرت می‌گوین.


اونا کاملا تو دریایی
بتوب تفوذ دارن.
توپی که بقیه‌ا می‌گن هلد توپ
حفاظت شده توسط توپ دریایی
ایجاد می‌شن یا اهمیت از دریای
توپ به در بقش.

تمام این کارا رو
کاترینا انجام داد.

پدر من باهاش
همکاری کرده.

اولین معامله این
پدر که قیمت تلات رو
دستکاری کنیم.

تا سر راه گوند دوک
رو بگم قرار بگیره.

علاوه بر غارت کردن
گشتی‌های تلاتـ شد.

اون می‌دانست مجری رو
که از اون راه به دست میاوردیم،
برای فرعالی نگه داشته

همزمان که قیمت تلات رو نرخ
تلات با قیمت نوین فروش رفتن که
به هشتی موز مه بازرین بود

کاترینا خود دایلیت
نداشت که این معامله
رو قبول نکنه.

اتفاد برای مدتی
باقی موند.

بنابر این پدر که آلاینس
می‌خواست دوک لیلاکی رو هم
زیر سلطه قدرتی در بیاره.

اما آقو ماهرا من به
کاترینا فهالت کردم.

بنابر اینکه شواهدی از
توطئه بین اون و آلاینس
وجود داشت.

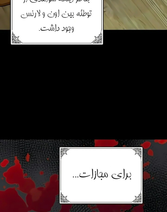

برای مجازات...

کاترینا دستگیر شد و به
جرم خیانت اعدام شد.

آون روز امپراتوری کرالتز بود که تیره‌هاش رو به پادشاه آیدهیل قرض داده بود.

نه، در واقع لارنس بود...

تو چطور...؟

تقریبا ۳ ماه پیش...

کاملا شوکه ولی راضی بودم...

چون با گردن سالم بیدار شدم.

اما من انعدام رو به یاد داشتم، خیلی واقعی به نظر میومد.

اولش فکر کردم یه کابوس عجیب بوده.

اما هر چقدر که زمان گذشت، همه چیز عجیب و عجیب‌تر شد.

به نظر میومد تمام مدارک و مردمی رو که می‌دیدم، قبلاً دیدم.

حتی می‌نونستم بگم کی طوفان میاد.

خاطراتم واضح و واضح‌تر می‌شدن و دیگه نمی‌تونستم بگم همه‌ش یه خواب بوده.

و می‌دونی مارشینس...

اولین چیزی که بهش فکر کردم چی بود؟

نمی...دونم.

فکر کردم باید تو رو داشته باشم.

نمی‌دونی چقدر دلم برات تنگ شده بود.

مدام بهش فکر می‌کردم...

باید وقتی دیدمت خفه‌ت کنم؟

یا... باید ببوسمت؟

هممف.

ㅎㅎ
ㅎㅎ
ㅎㅎ
ㅎㅎ

اینجاست. آلفونس، در محافظت از بانو شکست خوردم.

با جونم تقاص شکستمو پس میدم.

... به همین راحتی درباره‌ی مرگ حرف نزن.

سرد

کاراییی هست که باید قبل مردن، انجام بدی.

من رو ببخشید.

دقیقا قبل از یخ زدن بندرگاه.

یه گروه از دریای جنوب اومدن و یه ماه توی معبد موندن.

بانو اوبری که اونا رو تو معبد ملاقات کرده... براشون نقشه‌ی دقیق قلعه رو کشیدم.

بعد اونایی که از دریای جنوب اومده بودن، تونستن از راه مخفی محبسه‌ی قدیمی به رودخونه فرار کنن.

و با قایق کوچیکی که آماده بود، به سمت دهانه‌ی رودخونه رفتن.

قایق شبیه به سورتمه بود تا اینا بتونن داخل یخ حرکت کنن.

قایق هم توسط مردم جنوب ساخته شده بود.

شنیدم و چون بخش‌هایی ازش شکسته بوده می‌خواستن خودشون تعمیرش کنن.
فردی که انبار رو اجاره داده بود. گفت به چیزی شک نکرده.

خدمتکاری که سرپرستی خانم اوری رو به عهده داشت. با خانواده‌ش مرده پیدا شد.
اولش اونا فقط خانواده‌ش رو گروگان گرفته بودن که به کسی نگه. ولی به نظر میاد قبل اینکه فرار کنن. کشتشون.

معبد رو ببند. نگرد و تمام ساکینی که با ازرا در تماس بودن رو دستگیر کن.
مطمئن شو که راه مخفی رو کاملاً نابود کنی!

از اونجایی که شناخته شده دیگه قابل استفاده نیست.
چشم.

بندرگاه چطور؟
من قبلاً با علامت دادن به وسیله آتش، بندرگاه رو بستم.

اگه اونا تونستن با بستن سورتمه تیغ دار به قایق داخل رودخونه برن.
نمیگه بتونن داخل دریا هم برن.

بخاطر اینکه همه جا یخ زده. گاردت رو پایین نیار و حواست به تجهیزات بندرگاه باشه.
هر چقدر هم کشتی‌های دریای جنوب قوی باشن. نمی‌تونن بدون تجهیزات زنده بمونن.

متوجه شدم.
تعظیم

فشردن

اوبری جردن رو احضار کن.